

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



درس سوم پنجره ای به روشنایی

برخی از مهمترین سرمایه های انسان برای رسیدن به هدف خلقت را شناختیم و ما برای استفاده از این سرمایه ها فرصت محدودی داریم. فرصتی که با مرگ انسان پایان می یابد.

هر انسانی که پا به عرصه وجود میگذارد، در یکی از مراحل زندگی، مرگ به سراغش خواهد آمد و پرونده زندگی او را در این دنیا خواهد بست؛ بنابراین انسان را از مرگ گریزی نیست. در این درس می پردازیم به:

۱- شناخت اصلی ترین دیدگاه ها در مورد مرگ و معاد،

۲- چه سرانجامی در انتظار انسان است؟

۳- آیا دفتر زندگی وی با مرگ بسته می شود؟

۴- یا پس از آن زندگی به شکل دیگری ادامه می یابد؟

۵- پیامدهای اعتقاد به هر یک از آنها در زندگی

ابعاد وجودی انسان

دقت در آیات مربوط به آفرینش انسان، نشان می دهد که انسان دارای دو بُعد جسمانی و روحانی است.

بُعد جسمانی مانند سایر اجسام و مواد، دائم در حال تجزیه و تحلیل است و سرانجام فرسوده و متلاشی می شود.

در مقابل، **بُعد روحانی و غیر جسمانی** انسان، تجزیه و تحلیل نمیپذیرد، متلاشی نمیشود و بعد از مرگ بدن، باقی میماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی دهد.

دو دیدگاه در مورد معاد

۱ - اعتقاد به معاد

۲ - انکار معاد

۱- اعتقاد به معاد

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمیپندارند؛ بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان تر برای روح انسان میدانند یا پلی به حساب می آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل میکند.

رسول خدا در این باره میفرماید:

برای نابودی و فنا خلق نشده اید، بلکه برای بقا آفریده شده اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر، منتقل می شوید.

از ایشان پرسیدند: باهوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند.

در این دیدگاه، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذراست و زندگی حقیقی در جهان دیگر معنا می یابد. آن گونه که پیامبر می فرماید:

النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهُوا

مردم (در این دنیا) در خوابند هنگامی که بمیرند بیدار میشوند.

قرآن نیز این گونه بر کم ارزش بودن زندگی دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت تأکید می کند:
وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت، ۶۴)
این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست و سرای آخرت زندگی حقیقی است. اگر میدانستند.



آثار اعتقاد به معاد

۱- با این دیدگاه، پنجرهٔ امید و روشنایی به روی انسان باز می شود و شور و نشاط و انگیزهٔ فعالیت و کار، زندگی را فرا می گیرد.
قرآن کریم میفرماید:

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (مائده، ۶۹)

و انسان می داند که هیچ یک از کارهای نیک او در آن جهان بی پاداش نمی ماند. حتی اگر آن کارها به چشم کسی نیاید و نیز اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او بشود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در جهان دیگری خداوند آنها را به سزای اعمالشان خواهد رساند. چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همتی خستگ ناپذیر می شود و از کار خود لذت می برد. او با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می کوشد و م ی داند که هرچه بیشتر در این راه گام بردارد، آخرت او زیباتر خواهد بود.

۲- **انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آمادهٔ فداکاری در راه خدا است.** خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی میکنند و زیبا هم زندگی می کنند؛ اما به آن دل نمی سپرند؛ از این رو، مرگ را ناگوار نم ی دانند. آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می بینند یا با کوله باری از گناه با آن مواجه می شوند.

نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ میکنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسا نها، زمینه رشد خود را فراهم آورند تا بتوانند با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند. از طرف دیگر، همین عامل سبب می شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد و آنگاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد، و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان ها به استقبال شهادت بروند و با شهادت خود راه آزادی انسان ها را هموار کنند؛ از این رو، آن گاه که امام حسین در دوراهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی بینم.

امام حسین خطاب به یاران خود نیز فرمود:

مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت های پهناور و نعمت های جاوید عبور می دهد. پس کدام یک از شما کراهت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟

۲- انکار معاد

گروهی وجود معاد را انکار میکنند و معتقدند با مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او پرونده اعمال نیز بسته میشود

در این دیدگاه مرگ پایان زندگی است و هر انسانی بعد از مدتی زندگی در دنیا دفتر عمرش بسته شده و رهسپار نیستی می شود

وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ
(جاثیه، ۲۴)

(کافران) گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست همراه (گروهی از ما) میمیریم و (گروهی) زنده میشویم و ما را فقط گذشت روزگار نابود میکند البته این سخن را از روی علم نمیگویند بلکه فقط ظن و خیال آنان است.

آثار انکار معاد

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسان این است که می‌کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هرکاری سرگرم سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارد، فراموش کند. روشن است که این شیوه، عاقبتی جز فرو رفتن در گرداب آلودگی‌ها نخواهد داشت.

اما گروهی دیگر که نمی‌توانند فکر مرگ را از ذهن خود بیرون برانند، همین زندگی چند روزه نیز برایشان بی‌ارزش می‌شود؛ در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می‌شوند و شادابی و نشاط زندگی را از دست می‌دهند؛ از دیگران کناره می‌گیرند و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شوند.

گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه‌هایی قدم می‌گذارند که روز به روز بر سرگردانی و یأس آنان می‌افزاید.

البته این آثار و پیامدها، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می‌گیرد. این افراد به دلیل فرو رفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

